



به بهانهٔ سخنان فرزاد مؤتمن

سینمای ایران می‌خواهد تماشاچی جنایت غزه نباشد

بازمانده‌ها را در یابید



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

انتشار گفت‌وگوی تازه فرزاد مؤتمن با علی فرهنگند در بستر یوتیوب سروصدا به پا کرد، ولی این سروصدا ارتباطی به سینما به‌عنوان دال مرکزی حرف‌های این کارگردان نداشت. او در فرازی از گپ و گفتش با میزبان برنامه با اشاره به «فلسطین» و درد مردم «غزه» گفت اگر یک مدیر عاقل پیدا شود که به وی برای ساخت فیلم در مورد «غزه» پول بدهد او حتماً این کار را انجام خواهد داد. مؤتمن البته در ادامه با گالایه گفت کسی حاضر نیست امکانات لازم برای تولید فیلم در مورد فلسطین را در اختیار کسی چون او قرار دهد، زیرا مؤتمن و افرادی که مانند او حرف‌های روشنفکرانه می‌زنند و پسند آن‌ها سینمای «ژان لوک گدار» است به‌خوبی می‌دانند که میل مدبران برای کار با آن‌ها آنقدر زیاد نیست که پول و امکانات را برای ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی به پایشان بریزند!

فرزاد مؤتمن با هر متر و معیاری جزء «سینماگران شاخص ایران به حساب می‌آید که پس از تغییر و تحولات صورت گرفته در «بنیاد سینمایی فارابی» که اثر اصلی خود را در کنار گذاشتن ایده‌حمایت از فیلمسازان مستقل و روی آوردن حداکثری به مقوله تولید «فیلم فاخر» نشان داد در حاشیه‌ای‌ترین نقطه از جریان اصلی سسینمای ایران قرار گرفت و همین باعث شد که امثال او برای خلق و به تصویر درآوردن ایده‌های بصری وروایی‌شان حساسی در این سال‌ها به‌زحمت بیفتند. لب کلام فرزاد مؤتمن و دیگران این است که اختلافات بی‌اهمیت را کنار بگذاریم و با اجماع بر سر اشتراکات، روند گذشته را برای تولید محتوا در مورد مسئله مهمی مانند «فلسطین» و «غزه» مجدداً در پیش بگیریم. طبیعتاً این کارگردان هم فیلم بد در کارنامه‌اش داشته و هم آثاری را به مخاطبان هدفش در این سال‌ها ارائه داده که از نظر ارزش‌های فلیمیک در حد قابل قبول و خوبی قرار داشته‌اند. پس

مؤتمن نیز از خیل عظیمی از فیلمسازان کمتر شناخته‌شده استحقاق بیشتری برای ساخت اثر در رابطه با فلسطین و سوژه محوری مقاومت دارد. باری، گفت‌وگوی کارگردان «شسب‌های روشن» و «هفت‌پرده» با علی فرهنگند در برنامه اینترنتی «هوشمند» بهانه خوبی به دست نگارنده داد تا سرگی به تاریخ سینمای پس از انقلاب ایران بکشد و این ایده را دنبال کند که چرا روند تولید آثار استراتیژیک در مورد «مقاومت» و به‌طور کل «فلسطین» علی‌رغم اینکه این موضوع تبدیل به یکی از سرفصل‌های اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده در حد چند اثر خوب و تعداد زیادی اثر بی‌کیفیت باقی مانده ادامه پیدا نکرده است. بارها از این و آن به‌درستی شنیده‌ایم که سینمای ما چون هنوز تا تبدیل شدن به یک صنعت سودآور فاصله دارد، این وظیفه بخش دولتی و حاکمیتی است که برای تولیدات استراتیژیک آستین همت بالا زده و شروع به اقدام کند، اما مشاهده شده است که تهیه‌کنندگان نزدیک به حاکمیت در اغلب موارد پول و بودجه بی‌زبان را در اختیار کسانی قرار می‌دهند که اساساً «مقاومت» برایشان محلی از اعراب ندارد و خود را فقط مأمور به وظیفه می‌دانند در ادامه با رجوع به اندک فیلم‌های تأمل‌برانگیز تولیدشده در سینمای ایران در مورد سوژه «مقاومت» قطعه‌های پازل این سؤال را کامل می‌کنیم که چرا مسئولان امر، پول و امکانات موجود را به این کاره‌انمی‌دهند تا برایشان در مورد غزه و فلسطین فیلم بسازند؟

آدم باش، هر طور خواستی باش

مسعود کیمیایی یکی از چهره‌های اصلی سینمای ایران در فصل پوست‌اندازی در اواخر دهه ۴۰ شمسی است و به‌زعم فرزاد مؤتمن ۱۰ دقیقه ابتدایی فیلم «گروهبان» او بهترین اثر سینمای ما محسوب می‌شود. کیمیایی هر چند با گام‌های لرزان، ولی توانست همچنان بعد از انقلاب هم پشت دوربین قرار گرفته و فیلم بسازد. او پس از تجربه‌های ناخوشایندی چون «خط قرمز» و «تینگ و ابریشم»

۴ درس سریال «نوجوانی» برای ما ایرانی‌ها

حسین حق‌پناه

جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه نوجوان

در ایام نوروز، پیامی در یکی از گروه‌های مجازی فعالان تربیتی توجهم را جلب کرد: پیشنهادی برای تولیدی مینی سریالی چهار قسمتی با عنوان «نوجوانی». در ابتدا چندان جدی‌اش نگرفتم، اما با مرور اخبار و واکنش‌های جهانی، برآیم روشن شد که این سریال چیزی فراتر از یک درام تلویزیونی ساده است. تنها چند هفته پس از پخش، تحلیل‌ها و گفت‌وگوهای گسترده‌ای در رسانه‌های جریان اصلی و حتی در پارلمان بریتانیا درباره آن شکل گرفته است. در کشورهای ایرلند و اسکاتلند، «نوجوانی» به‌عنوان هشدار ی درباره بحران سلامت روان نوجوان تلقی شده و دولت‌ها به فکر تنظیم سیاست‌هایی برای مقابله با تأثیرات خرد فرهنگ‌های زن‌ستیز آنالین افتاده‌اند. حتی نخست‌وزیر بریتانیا، با تأکید بر اهمیت این سریال، از تصمیم برای اکران رایگان آن در مدارس حمایت کرده و اظهار داشته تماشای این سریال با فرزندان نوجوانش تأثیر عمیقی بر او گذاشته است. این واکنش‌ها یادآور تجربه سریال «۱۳ دلیل برای اینکه...» است؛ اثری که پس از انتشار، موجی از بحث‌های عمومی و جهانی درباره بحران خودکشی نوجوانان به راه انداخت و منجر به بازنگری سیاست‌های مدرسه‌سای و تولید منابع آموزشی در زمینه سلامت روان در کشورهای اروپایی و آمریکایی شد.

احتمالاً در این روزها تحلیل‌های دیگری هم درباره این سریال شنیده‌اید یا خواهید شنید؛ اما به نظر می‌رسد مخاطب ایرانی می‌تواند لایه‌هایی از این اثر را دریابد که شاید برای مخاطب غربی چندان برجسته نباشد. لایه‌هایی که

به مسائل فرهنگی، تربیتی و اجتماعی خاص ما پیوند می‌خورند. نکاتی که در ادامه می‌آید، بدون افشای مستقیم جزئیات داستان (اسپویل)، خواننده را دعوت می‌کند تا از منظر یک ایرانی در ۱۴۰۴ به روایتی غربی از «نوجوانی» نگاه کند. اگر هنوز موفق به دیدن سریال نشده‌اید، پیشنهاد می‌کنم این متن را نگه دارید و بعد از تماشا بخوانید.

۱ ماتنها نیستیم

سریال «نوجوانی» فراتر از پرداختن به قتل یک دختر نوجوان توسط هم‌سن‌وسالانش، به ما نشان می‌دهد که بحران هویت، خشونت، پر خاشگیری و جدال با والدین و معلمان، فقط مشکل ما نیست بلکه بسیاری از پدر و مادرها، معلمان و مربیان و حتی سیاست‌گذاران در کشورهای دیگر نیز در حال تقلا برای درک و ارتباط با نسل جدید خود هستند. همین جهانی بودن مسئله، امیدی ایجاد می‌کند که راه‌حل‌ها نیز می‌توانند جهانی، پادستکم قابل گفت‌وگوی بین فرهنگی باشند.

۲ در غرب هم خبری نیست!

مدت‌هاست در کشور ما گفت‌وگویی فراگیر درباره بحران نظام آموزشی شکل گرفته؛ مقایسه دامن مدارس ما با نظام‌های آموزشی غربی که معمولاً نتیجه‌ای ناامیدکننده همراه با خودتحقیری دارد. اما اپیزود دوم سریال، تصویری واقعی‌تر از مدرسه‌ای در قلب بریتانیا به ما نشان می‌دهد: جایی که نه‌تنها ناجی نیست، بلکه خود بخشی از بحران است. معلمانی که دل‌زده،

خسته و سرگردمند؛ مشاورانی که توان ارتباط مؤثر با نوجوانان را ندارند و فضای آموزشی‌ای که در آن، نه‌تنها حمایت کافی وجود ندارد، بلکه تحقیر، خشونت و نادیده‌گرفتن عادی شده است. چنین روایت‌هایی ما را دعوت می‌کنند تا نگاهمان به مسئله آموزش را از قالب خودزنی یا خیال‌پردازی‌های مقایسه‌ای بی‌رون یکشیم و وضعیت «مدرسه» را چه در ایران و چه در غرب، با نگاهی واقع‌بینانه‌تر و انتقادی‌تر تحلیل کنیم.

۳ البته که در غرب خبرهایی هم هست!

در حالی که دو موضوع «ارتباط با نوجوان» و «نظام آموزشی»، همدلی و همدان‌پنداری مخاطب ایرانی را برمی‌انگیزد، تصویری که از نظام قضایی، پلیسی و روان‌درمانی انگلستان بازتابی می‌شود، می‌تواند حساسی دلمان را بسوزاند. اگرچه سریع‌سریال رتکنیک سکانس پلان، به‌خوبی در خدمت نمایش سرعت، صلابت و وقت‌بندهای رسمی در پیگیری جرم و هم‌زمان حفظ حقوق شهروندی تا رسیدن به حقیقت قرار می‌گیرد. از بازجویی متهم نوجوان با رعایت ظرافت‌های تربیتی تا جبران خسارت خانواده متهم بابت آسیب‌های ناشی از تفتیش خانه، همه و همه یادآور فاصله عمیقی است میان آنچه در آن‌سوی مرزهای ما گذرد و تجربه‌های تلخ مادر ما مواجه با ساختارهای مشابه. در قسمت سوم سریال نیز -که از نظر نگارنده عمیق‌ترین اپیزود مجموعه است- بیننده با روان‌شناسی حرفه‌ای مواجه می‌شود که بدون دخالت احساسات و در نهایت حرفه‌ای‌گری، به قلب زخم‌های نوجوان نفوذ می‌کند و ریشه‌های شکل‌گیری جرم را نشانمان می‌دهد. اینجاست که مخاطب ایرانی از خود

می‌پرسد آیا در ساختارهای رسمی ما نیز (اعم از دادگاه، زندان یا مراکز اصلاح و تربیت) چنین سطحی از قانون‌مداری، حرفه‌مندی و بلوغ اخلاقی وجود دارد؟

۴ خرده‌فرهنگ‌های دیجیتال تهدیدی نرم اما عمیق

«نوجوانی» با عبور از خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای تربیتی، نهایتاً به عامل اصلی و پنهانی‌ای می‌رسد که در پس‌کُتل نوجوانانه قرار دارد: خرده‌فرهنگ‌های دیجیتال که در یطن شبکه‌های اجتماعی ریشه‌دوانده‌اند. سرال صراحتاً به جهان «اینسل‌ها» وارد می‌شود و از چهره‌هایی چون اندرو تیت، معن‌ان نمادهای یک خرده‌فرهنگ زن‌ستیزانه و عامل ایجاد انگیزه در قاتل نام می‌برد. اما سریال در همین جا متوقف نمی‌ماند؛ بلکه به دقت به زبان پنهان نسل دیجیتال نیز توجه می‌کند. از ایموچی‌ها تا میم‌هایی که برای ما بزرگ‌ترها -و حتی کارآگاهان پرونده- بی‌معنا و بی‌ضرر به نظر می‌رسند، اما برای نوجوان‌ها ممکن است مصداق آزار سایبری باشد و آن‌ها را در فشار و تحقیر قرار دهد. این پیچیدگی‌ها کمتر در آموزش سواد رسانه‌ای کشور مان بازتاب یافته‌اند. ما والدین، معلمان و مربیان هم اغلب با نگاهی ساده‌انگارانه از کنار مصرف رسانه‌ای نوجوانان عبور کرده‌ایم. غافل از اینکه شاید فاجعه‌ای که در این سریال روایت می‌شود، زیر پوست ارتباطات مجازی و فرهنگ نوجوانی در عصر دیجیتال در کمین فرزندان ما نیز باشد. اگر اختیار با من بود، شاید مستوری شبیه مسئولان بریتانیا صادر می‌کردم: تماشاگرانی این سریال برای همه والدین، معلمان و مسئولان تربیتی کشور واجب است!

سریال‌های جدید در راه تلویزیون

ساخت مجموعه تلویزیونی «ناریا» سال گذشته به پایان رسید و تصویربرداری این پروژه تاکنون در تهران و حومه، کرمانشاه، کردستان و استانبول انجام شده است. به دلیل ضبط پلان‌های فصلی مورد نیاز فیلمنامه و آماده شدن هرچه سریع‌تر پروژه برای رسیدن به پخش، گروه در مقطعی با دو گروه تصویربرداری را انجام دادند که کارگردانی گروه دوم بر عهده هادی افشار بود.

این سریال با مضمونی پلیسی سرگشت هوزان، دختر نخبه و دانشمند ایرانی را روایت می‌کند که در اوج شکوفایی علمی‌اش به دنبال اختراع پدیده‌ای است که ایران را بی‌نیاز از واردات محصولی استراتژیک خواهد کرد. در این بین گروهی از تبهکاران برای مانع‌تراشی و جلوگیری از وقوع این امر وارد ماجرا می‌شوند و... همچنین سریال «قرارگاه سری نصرت» به کارگردانی مهدی جعفری، به‌عنوان سریال مناسبتی هفته دفاع مقدس پخش خواهد شد. نسخه سینمایی این سریال- که اقتباسی از زندگی شهیدعلی هاشمی است- پیش‌تر در جشنواره فیلم فجر به‌نمایش درآمده بود.

